

مناقب حضرت فاطمه رضي الله عنها تأليف دانشمندی از اهل سنت

به کوشش: حسین شهسواری

مقدمه

در شبی باصفا، دوست گرامی و بافضیلت، جناب مستطاب، آقای حسین متقی زنجانی، تحفه و هدیه‌ای از کشور کهن و با سابقه که زمانی مرکز امپراتوری بزرگ اسلامی بود - ارائه کردند که نام بی بی دو عالم دخت نبی و جفت ولی و مام حسنین علیهم السلام در عنوان آن می درخشید. تصویر نسخه خطی چهار برگی که متشکل از جلد و شش صفحه بود، به غایت زیبا از ظاهر و منور به نور الهی فاطمی که از مشکاة نبوی پرتو افشاند و به جان تیره و تار مشتاقان تابیده است.

چون سخن از نسخه‌ای بسیار نادر در فضائل و مناقب دُرْدانۀ هستی به میان آمد که عالمی مشهور از مذهب مخالف گرد آورده و تألیف نموده بود، فرمودند: «نسخه چند برگی نیز در مناقب ناموس دهر، ام ابیها، فاطمة زهرا علیها السلام، در دست دارم که به زبان فارسی است؛ شایسته است در نشر آن اهتمام گردد.» اظهار لطف نموده، تحویل حقیر دادند. بنده ناچیز آن را پس از حروف چینی و عنوان گذاری، به صورتی که مشاهده می شود درآوردم.

در این متن دو روایت اصلی آمده و در ضمن شرح آن، دو حدیث دیگر نیز آورده است. هم چنین پس از ذکر اقوال متعدد درباره برتری وجود مبارک صدیقه طاهره علیها السلام بر دیگر زنان، صحیح ترین نظر و قول را یاد آور شده است.

نسخه‌شناسی

نسخه مذکور در کتابخانه دانشگاه استانبول ترکیه که دارای منابع و مصادر فراوانی از دست‌نوشته‌های عالمان مسلمان است، نگهداری می‌شود. نویسنده اثر مذکور و هم‌چنین کاتب آن نامعلوم است. نسخه چهار صفحه‌ای، دارای خط نستعلیق و به ظاهر متعلق به قرن یازدهم هجری است. ۲۰.۵×۱۲ / متن ۱۴۳×۶۷ میلی‌متر، ۶۴ برگ، ۱۱ سطر، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج سرخ مطلا با ترنج و سرترنج و لچکی و لولادار آرایش: مجدول طلایی و لاجوردی و مشکی، روی عبارات عربی خط بریده قرمز کشیده‌اند، دوسر لوحه مذهب (درب ۱ و ب ۵)، شماره مجموعه ۱۲۹۴ (IUK.FY).^۱



۱. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، ص ۵۶۰، گردآورندگان: توفیق هاشم‌پور سبحانی و حسام‌الدین آق‌سو، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴ ش.

<p>تا علوم فضل وی بر تمامه نشاء عالم ثابت شده و اندام علم و بعضی از علما عایشه را فضل نمند بر فاطمه از جهت آنکه عایشه با پیغمبر صلی الله علیه و سلم در بهشت باشد و فاطمه علی و لا بد مقام و مکان پیغمبر صلی الله علیه و سلم اعلی و اشراف باشد از تمام علی و لیکن در احادیث واقع شده است که آنحضرت با فاطمه خطاب کرد من و تو و علی و حسن و حسین رضی الله عنکم در یک مکان و یک مقام خواهیم بود اصح مذہب آنست که فاطمه رضی الله عنہا از علما بیها افضل است از عایشه رضی الله عنہا و نیز در توفیق</p>	<p>و چون مالک از ان پرسید مذکورت قال قلت بعضه من النبي صلی الله علیه و سلم فاطمه را پیوست صلی الله علیه و سلم ولا افضل علی یا بعضه من رسول الله صلی الله علیه و سلم احد افضل منی نهام بر حکم بار پیغمبر چکس را امام سید می که آنچنین است و دین ماست آنست که فاطمه افضل است و بعد از وی مادرش خدیجه بعد از ان عایشه رضی الله عنهن جمیعین و در حدیثی نیز اختلاف دارند و حق آنست که شیخ اختلاف و حق در افضلیت بعضی گفته است آنست که علی اقبلا کرده اند و لیکن چکس سبب شرف ذات و طهارت</p>
---	--

<p>طیبت و پاکیزگی چهره فاطمه و حسن و حسین رضی الله تعالی عنهم نمیرسد و الله اعلم بالصواب و نیز گفت آنحضرت صلی الله علیه و سلم در وقت انتقال حضرت علی کم آخرت بنشاید چون فاطمه رضی الله عنہا یا فاطمة الاثر صفتین ان تکونین سیدة من آهل الجنة گفت آنحضرت ای فاطمه راضی نیستی که باشی بهترین زنان از میان زنان بهشت اوست العارین یا کننت سیدة من آهل العالمین یعنی دل تنگ مباش و از خدا راضی و شاکر باش که خدا ترا</p>	<p>این قدر مرتبه علی داده است که هیچ کس نداده غیر از تو و نیز بدانند که وقتی که حضرت در روز محشر حاضر شود همه خود را لعین از بهشت برهش فاطمه می بند از روی تعظیم و توقیر این و همان حالت همراهی فاطمه بخت میروند و با نفع نخلهای بهشت و این تنظیم غیر فاطمه هیچ کس نداده و سعادت عظمت که بر آن دختر معصومه گردانند حضرت فاطمه رضی الله عنہا نام دارنده بزرگ موجب الهام ربانی که تسبیح نبرد زبان در حق پدر و مادر محض الهام است و عین رحمت و نور است که الله اعلم بالصواب</p>
--	--

مناقب فاطمة رضي الله عنها

۱. وعن المسور بن مخرمة^۱: ان رسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم قال: «فاطمة بضعة مني فمن اغضبها اغضبني [وفي رواية: يريني ما اراها] ويؤذيني ما آذاها.»
"متفق عليه."^۲

[ترجمه و شرح]

وعن المسور بن مخرمة: ان رسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم قال: «فاطمة بضعة مني.»^۳
فاطمه كوشت پاره منست.

و سهیل استدلال کرده است به این که هر که دشنام کند فاطمه را، کافر شود.

«من اغضبها اغضبني»: بس کسی که در خشم آرد او را، در خشم می آرد مرا.

از جهت مکان جزئیّت و اتحاد.

وفي رواية^۴: «يريني ما اراها»: بد می آید و ناخوش می گرداند او را. «ويؤذيني ما آذاها»:

آزار می کند مرا، چیزی که آزار می کند او را.

"متفق عليه."

[فاطمه افضل زنان مؤمنات]

بدان که فاطمة زهرا افضلیت دارد بر تمامه نساء مؤمنات حتی مریم و آسیه و خدیجه و

عایشه، هم چنین گفته است سیوطی. و در حدیث دیگر آمده که: مثل فاطمه درین امت، مثل

مریم است در قوم خود.

و تواند که خلاف این اخبار بجهة اطلاع آن حضرت بود صلى الله عليه [وآله] وسلم بر فضیلت

فاطمه بوحی و اعلام پروردگارتا عموم فضل وی بر تمامه نساء عالم ثابت شده. والله اعلم.

۱. وهو أبو عبد الرحمن المسور بن مخرمة بن نوفل بن أهبب القرشي البصري ولد ۲ ق. خاله عبد الرحمن بن عوف قتل في فتنة ابن الزبير ۶۴ ق.

۲. قال حاكم في المستدرک على الصحيحين: حدثنا أبو سهل أحمد بن محمد بن زياد القطان ببغداد ثنا إسماعيل بن إسحاق القاضي ثنا إسحاق بن محمد الفروي ثنا عبد الله بن جعفر الزاهري عن جعفر بن محمد عن عبد الله بن أبي رافع عن المسور بن مخرمة رضي الله عنه قال قال رسول الله ﷺ: «إنما فاطمة شجنة مني يبسطني ما يبسطها ويقبضني ما يقبضها» هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه.

۳. صحيح البخاري: الجزء الخامس باب مناقب فاطمة ؑ ص ۲۹.

۴. صحيح مسلم: الجزء السابع ص ۱۴۰.

[فاطمه عليها السلام افضل است يا بعضی همسران پیغمبر صلی الله علیه و آله?]

بعضی از علماء عایشه را فضل نهند بر فاطمه، از جهة آن که عایشه با پیغمبر صلی الله علیه و آله و وسلم در بهشت باشد و فاطمه با علی و آله و وسلم در بهشت باشد از مقام علی.

ولیکن در احادیث واقع شده است که آن حضرت با فاطمه خطاب کرد که: من و تو و علی و حسن و حسین رضي الله تعالى عنهم در يك مكان و يك مقام خواهم بود. اصحّ مذهب آنست که فاطمه رضي الله تعالى عنها افضل است از عایشه رضي الله تعالى عنها و بعضی در توقف مانده.

و چون مالك را ازان پرسیدند، گفت: «فاطمة بضعة من النبي صلی الله علیه و آله و وسلم». فاطمه جگر پاره پیغمبر است صلی الله علیه و آله و وسلم. «ولا افضل علی ما بضعة من رسول الله صلی الله علیه و آله و وسلم احد». افضلیت نمی نهم بر جگر پاره پیغمبر، هیچ کس را. امام سیپکی فرموده است که: آن چه مختار است و دین ما است، آنست که فاطمه افضل است و بعد از وی مادرش خدیجه، بعد ازان، عایشه رضي الله عنهم اجمعین.

و در خدیجه و عایشه نیز اختلاف دارند و حق آنست که حیثیات مختلف اند و سخن در افضلیت بمعنی کثرة ثواب است که علماء اعتبار کرده اند و لیکن هیچ کس بحسب شرف ذات و طهارت طینت و پاکی جوهر، بفاطمه و حسن و حسین رضي الله تعالى عنهم نمی رسد. والله اعلم بالصواب.

۲. [آن حضرت صلی الله علیه و آله و وسلم در وقت انتقال حضرت بعالم آخرت، بمشاهده حزن فاطمه رضي الله تعالى عنها قال: يا فاطمة الا ترضين ان تكوني سيّدة نساء اهل الجنة - او نساء العالمين؟]

۱. قال حاكم في المستدرک على الصحيحين: زكريا بن أبي زائد عن فراس عن الشعبي عن مسروق عن عائشة رضي الله عنها ان النبي صلی الله علیه و آله قال وهو في مرضه الذي توفي فيه: «يا فاطمة الا ترضين ان تكوني سيّدة نساء العالمين و سيّدة نساء هذه الأمة و سيّدة نساء المؤمنین؟» هذا اسناد صحيح ولم يخرجاه هكذا.

در این باره به منابع و مصادر زیر مراجعه شود: صحیح بخاری، جزء پنجم، باب مناقب فاطمة عليها السلام، ص ۲۹. صحیح مسلم، جزء هفتم، باب فضائل فاطمة عليها السلام، ص ۱۴۲-۱۴۳. مناقب ابن مغازلی، ص ۳۹۹، در حاشیه آن مصادر فراوانی ذکر شده است که شایسته مراجعه می باشد. و نیز صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۷۰۰ باب فضل فاطمة عليها السلام؛ خصائص أميرالمؤمنين عليه السلام، احمد نسائی، ص ۳۴؛ الجمع بين الصحاح الستة، رزين العبدري در قسمت پنجم از آخر و جزء دوم از اجزاء دوگانه ها از نصف در باب مناقب فاطمة عليها السلام از صحیح أبي داود سجستانی که همان کتاب سنن می باشد. رج عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، ابن بطريق رحمته الله

و نیز گفت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در وقت انتقال حضرت بعالم آخرت، بمشاهده حزن فاطمه رضي الله تعالى عنها قال: «يا فاطمة الا ترضين ان تكوني سيّدة نساء اهل الجنة؟» گفت آن حضرت: ای فاطمه! راضی نیستی که باشی بهترین زنان از میان زنان بهشت؟ «او نساء العالمين؟» یا گفت: سيّدة نساء العالمين یعنی دل تنك مباش و از خدا راضی و شاکر باش که خدا مرترا این قدر مرتبه علیا داده است که بهیچ کس نداده غیر از تو. و نیز بدان که وقتی که حضرت فاطمه در روز محشر حشر شود، همه حورالعین از بهشت به پیش فاطمه می آیند از روی تعظیم و توقیرایشان و بهمان حالت همراهی فاطمه بجنّت می روند و بانواع حلّ های بهشت. و این تعظیم بغیر فاطمه بهیچ کس نبوده. و سعادت عظمی است که بر آن دختر معصومه که بنام حضرت فاطمه رضي الله تعالى عنها نام دار شده است بر موجب الهام ربانی که تسمیة فرزندان در حق پدر و مادر محض الهام است و عین رحمت و نور است. الله اعلم بالصواب.

